

Abstract

Sexual assault is a grave violation of human rights often occurring in zones of armed conflict. Proving such crimes in international courts, particularly the International Criminal Court (ICC), presents unique challenges. A primary obstacle facing prosecutors is "survivor silence". This article, focusing on the role of international tribunals and proof standards within international criminal law, offers an in-depth analysis of the crisis of proving sexual assault from the perspective of survivor silence. Its central aim critiques the court's heavy reliance on direct and immediate victim narratives and advocates for a more gender-sensitive approach to overcome existing biases and inconsistencies within the evidentiary process. Survivor silence refers to instances where individuals who have experienced sexual assault choose not to publicly disclose their experiences due to psychological, social, or cultural factors. This silence can occur before, during, or after the crime itself. Misinterpreting this silence as evidence of lack of consent or denial of the crime has led to significant issues in legal proceedings. While traditional practices heavily weigh direct and immediate victim accounts as sole admissible evidence, these approaches rarely account for complexities faced by survivors of sexual violence. Studies reveal that women and girls, constituting the majority of sexual assault victims, are less likely to report due to societal norms and cultural pressures. Additionally, derogatory judgments against complainants create further barriers to justice. The traumatic impacts stemming from sexual assault can lead to anxiety disorders, depression, and other mental health concerns making accurate retelling challenging. Adoption of a Gender-Sensitive Approach: Implementing methods that consider gender differences and cultural variations in how survivors may react to sexual assault. Training legal professionals to assess claims with context in mind is crucial. Utilization of Alternative Methods: Structured interviews, cognitive behavioral therapy (CBT), and medical record analyses can facilitate the gathering of more precise information from victims. Ensuring Adequate Support: Ensuring complete safety and welfare for victims throughout judicial processes is essential. Counseling services, legal aid, and support groups should be readily available. Overcoming the proof crisis in cases of sexual assault requires fundamental reevaluation of traditional practices and excessive reliance on direct victim testimonies. Recognizing the phenomenon of survivor silence and embracing a gender-sensitive approach are pivotal steps towards delivering just and effective justice for all victims of sexual assault.

Keywords: Sexual Assault, International Criminal Law, Survivor Silence, International Criminal Court (ICC), Proof Crisis, Consent.

سکوت بزه دیده و بحران اثبات تجاوز به عنف در حقوق بین الملل کیفری

جواد رجبی سلمان^۱ - مطهره مالکی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۷

چکیده

تجاوز به عنف، یک جنایت وحشتناک و نقض آشکار حقوق بشر است که متأسفانه اغلب در مناطق درگیری مسلحانه رخ می‌دهد. اثبات چنین جرایمی در برابر مجرمان در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، مخصوصاً دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، با پیچیدگی‌های خاصی همراه است. یکی از مهم‌ترین موانع موجود، پدیده "سکوت قربانی" نام دارد. این مقاله با تمرکز بر نقش دادگاه‌های بین‌المللی و استانداردهای اثبات در قانون بین‌الملل کیفری، به بررسی عمیق بحران اثبات تجاوز به عنف از زاویه دید مفهوم سکوت قربانی می‌پردازد. هدف اصلی آن انتقاد از اتکا شدید دادگاه‌ها به روایت مستقیم و فوری قربانی و پیشنهاد رویکردی حساس به جنسیت برای غلبه بر تعصب‌ها و ناهماهنگی‌های موجود در روند اثبات است. باید توجه داشت که سکوت قربانی به شرایطی اشاره دارد که در آن فرد مبتلا به تجاوز به دلایل روانشناسی، اجتماعی و فرهنگی از اعلام عمومی تجربه خود امتناع ورزد. این سکوت ممکن است پیش، حین یا پس از وقوع جرم اتفاق بیفتد. تفسیر نادرست این سکوت به عنوان نشانه‌ای از عدم وجود رضایت یا حتی انکار وقوع جرم، منجر به دشواری‌های بزرگی در محاکم قضایی شده است. سیستم‌های قضایی معمولی معمولاً بر اهمیت روایت مستقیم و فوری قربانی به عنوان تنها مدرک قابل اعتماد تکیه دارند. این رویکرد با واقعیت‌هایی که افراد آسیب‌دیده در مواجهه با تجاوز به عنف تجربه می‌کنند، همخوانی ندارد. تحقیقات نشان داده‌اند که زنان و دختران، که بیشتر قربانیان تجاوز به عنف هستند، به دلیل هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، تمایل کمتری به گزارش عمومی تجربه خود دارند. قضاوت‌های تحقیق‌آمیز علیه کسانی که شکایت می‌کنند نیز مانعی دیگر در مسیر عدالت است. تجارب تروماتیک ناشی از تجاوز به عنف می‌تواند منجر به اختلالات اضطراب، افسردگی و سایر مشکلات سلامت روانی شود که بیان دقیق ماجرا را برای قربانی سخت‌تر می‌کند. پیشنهاد می‌شود که پذیرش روشی که تفاوت‌های جنسیتی و فرهنگی در نحوه واکنش قربانیان به تجاوز را در نظر گرفته شود. مهم است که مجریان قانون آموزش ببینند تا بتوانند ادعاهای قربانی را با در نظر گرفتن بافت خاص هر مورد ارزیابی کنند؛ تکنیک‌هایی مانند مصاحبه‌های ساختاریافته، درمان شناختی-رفتاری (CBT) و تجزیه و تحلیل سوابق پزشکی می‌توانند در جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر از قربانیان کمک کننده باشند؛ تضمین امنیت و رفاه

javad8742@iau.ac.ir

^۱استاد یار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران

^۲دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران (نویسنده مسئول)، Motymaleki@gmail.com

کامل قربانیان در طول فرآیند دادرسی ضروری است. خدمات مشاوره، حمایت قانونی و لژیون‌های حمایتی باید در دسترس باشد. اثبات جرائم تجاوز به عنف نیازمند بازنگری اساسی در رویکردهای سنتی و اتکا بیش از حد به روایت صریح قربانی است. درک پدیده سکوت قربانی و پذیرش رویکردی حساس به جنسیت برای ارائه عدالتی عادلانه و مؤثر برای همه قربانیان تجاوز به عنف حیاتی است.

کلمات کلیدی: تجاوز به عنف، حقوق بین‌الملل کیفری، سکوت بزه دیده، دیوان کیفری بین‌المللی، بحران اثبات، رضایت.

تجاوز به عنف، به عنوان یکی از شدیدترین نقض‌های حقوق بشر، در سایه پیچیدگی‌های اثبات و پیگیری قانونی، به یک چالش اساسی در حقوق بین‌الملل کیفری تبدیل شده است. این جرم، که می‌تواند بر هر فردی، صرف نظر از جنسیت، سن، یا پیشینه، تأثیر بگذارد، نیازمند رویکردی جامع و حساس در سیستم عدالت بین‌المللی است.

تجاوز به عنف، می‌تواند به یک معضل فردی، اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد؛ یکی از تاریک‌ترین جنبه‌های مناقشات مسلحانه است. در جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی، زنان و کودکان اغلب به طور خاص در معرض خطر تجاوز و سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. این عمل نه تنها به عنوان یک سلاح جنگی، بلکه به عنوان راهی برای ترساندن و تضعیف دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجاوز به عنف در جنگ، نقض آشکار قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر است. در چنین شرایطی، چالش‌ها دو چندان می‌شوند. قربانیان ممکن است در مناطق درگیری گرفتار شوند، جایی که دسترسی به خدمات پزشکی و حمایتی محدود است. ترس از انتقام و تبعیض، آن‌ها را از صحبت کردن و گزارش دادن جرم خود باز می‌دارد. علاوه بر این، پیچیدگی‌های سیاسی و نظامی می‌تواند مانع از پیگرد قانونی مجرمان در دادگاه‌های بین‌المللی شود. بدین ترتیب تجاوز جنسی، به ویژه در مناقشات مسلحانه، یک جنایت جدی است که نیازمند توجه و اقدامات قانونی قوی است. تعریف آن در اساسنامه رم شامل عمل جنسی بدون رضایت، که از طریق زور یا تهدید حاصل شود، می‌باشد. چالش‌های اثبات این جرم، از جمله سکوت قربانیان و جمع‌آوری شواهد، باعث پیچیدگی رسیدگی به آن در دیوان کیفری بین‌المللی می‌شود. با این حال، دیوان تلاش‌هایی برای ایجاد استانداردهای مشخص و راهکارهایی برای غلبه بر این موانع انجام داده است. این موضوع، به ویژه در مناطقی که درگیری‌های مسلحانه وجود دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. درک دقیق و اجرای مؤثر قوانین مربوط به تجاوز جنسی، می‌تواند به عدالت‌خواهی و جلوگیری از نقض حقوق بشر کمک کند. دیوان کیفری با رویکردی جامع، به دنبال ایجاد مکانیسم‌هایی برای رسیدگی به این جرائم است. موانع موجود، از جمله دسترسی محدود به قربانیان و پیچیدگی‌های سیاسی، نیازمند راهکارهای خلاقانه و همکاری بین‌المللی است.

در این مقاله، ما بر جنبه‌های مختلف اثبات تجاوز به عنف تمرکز می‌کنیم، از موانع قانونی و اجتماعی گرفته تا چالش‌های روان‌شناختی مرتبط با شهادت‌دهی قربانیان این موانع می‌تواند شامل ترس از انتقام، شرم، و عدم باور شدن ادعاهای آن‌ها توسط مقامات قضایی باشد. از آنجا که سکوت قربانیان، اثبات تجاوز به عنف را به چالشی پیچیده تبدیل می‌کند. بدون شواهد مستقیم و شهادت قربانی، اثبات این جرم می‌تواند بسیار دشوار باشد. دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های بین‌المللی با این معضل

روبرو هستند، به ویژه در مناطقی که دسترسی به شواهد و شاهدان دشوار است حال به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که چه اقدامات حقوقی برای سکوت بزه دیده و بحران اثبات تجاوز به عنف در حقوق بین الملل کیفری مورد توجه قرار گرفته است؟ مقاله به روش تبیینی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۲. چارچوب مفهومی

۱،۲. اهمیت جرم تجاوز به عنف در حقوق بین‌الملل کیفری

تجاوز به عنف و سایر اشکال خشونت جنسی، نه تنها توهین آشکار به کرامت انسانی محسوب می‌شوند، بلکه به عنوان یکی از سلاح‌های جنگ در درگیری‌های مسلحانه معاصر مورد استفاده قرار می‌گیرند. از زمان محاکمه‌های نورنبورگ و توکیو، و به ویژه پس از تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) و رواندا (ICTR)، این جرائم به طور رسمی به عنوان جرائم جنگی، و در نهایت، جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی طبقه‌بندی شده‌اند. اساسنامه رم (ICC) نیز در ماده ۷ مربوط به جرائم علیه بشریت و ماده ۸ درباره جرائم جنگی، تجاوز به عنف را در میان شدیدترین جنایات قرار داده است. اهمیت این جرم در قانون بین‌الملل کیفری از آن جهت است که علاوه بر صدمات جسمانی، آسیب‌های روانی عمیق، انزوا اجتماعی و در برخی موارد، ویرانی اجتماعی جوامع هدف را به دنبال دارد.

۲،۲. جایگاه سکوت بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری

یکی از بزرگترین موانع در پیگرد قضایی تجاوز، ماهیت خصوصی و اغلب پنهان این جرم است.

بر خلاف سایر جرائم، شواهد عینی و فیزیکی مکرراً مفقود است. در نتیجه، شهادت بزه دیده نقش محوری و حیاتی پیدا می‌کند. با این حال، بزه دیده ممکن است به دلایل متعدد (شوکه، ترس، انگ اجتماعی، عدم اعتماد به سیستم قضایی، یا مناسبات قدرت (سکوت اختیار کند؛ سکوتی که می‌تواند پیش از وقوع، حین وقوع) به معنای عدم مقاومت فعال (و یا پس از وقوع جرم) تأخیر در گزارشدهی (تجلی یابد. چالش حقوقی اینجاست که سکوت در عرف عموماً غالب به معنای رضایت تلقی می‌شود، در حالی که در زمینه تجاوز، یک واکنش طبیعی به تروماست (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۸).

با توجه به اهمیت اثبات تجاوز در نظام حقوق بین‌الملل کیفری و پیچیدگی‌های ذاتی شهادت‌تقریبانی، این مقاله به دنبال پاسخگویی به پرسشهای زیر است:

۱. چگونه مفهوم «فقدان رضایت» در حقوق بین‌الملل کیفری، به ویژه در مواجهه با سکوت‌بزه دیده، تعریف و تفسیر می‌شود؟

۲. چه عواملی باعث می‌شوند سکوت بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری بین‌المللی (ICC) (بهیک بحران اثباتی تبدیل شود؟

۳. رویکرد رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به ارزیابی سکوت یا تأخیر در گزارشی بزه دیده چگونه بوده و آیا این رویکرد از اصول حمایت از قربانیان تبعیت می‌کند؟

۴. چه اصلاحاتی برای سازگاری رویه دیوان با درک مدرن از تروما و سکوت بزه دیده ضروری است؟

۳. مفهوم تجاوز به عنف در حقوق بین‌الملل کیفری

۱،۳. تعریف تجاوز در اساسنامه رم (ماده ۷ و ۸)

اساسنامه رم در ابتدا) در زمان تصویب در ۸۹۹۱ (در مواد 7(1)g و 8(2)xxii و 8(2)e)) تجاوز را به عنوان یک جرم مستقل تعریف نکرده بود، بلکه آن را تحت عنوان کلی «سایر رفتارهای جنسی خشونت‌آمیز» (Other forms of sexual violence) قرار می‌داد. این ابهام تا زمان تصویب «اصلاحیه کامپالا» (Kampala Amendments) در ۲۰۱۰ ادامه داشت.

در ماده ۷ اساسنامه رم) جرائم علیه بشریت (، بند g) به «تجاوز، بردگی جنسی، تنفروشیاجباری، بارداری اجباری، عقیمسازی اجباری و هرگونه تجاوز جنسی دیگر از شدت برابر» اشاره می‌کند. برای تحقق جرم، سه رکن اصلی لازم است: ۱. فقدان رضایت (Lack of consent): این رکن هسته مرکزی تفسیر تجاوز است. ۲. عنصر مادی: ورود آلت تناسلی متجاوز به بدن بزه دیده (یا بالعکس) یا هر بخش دیگر بدن بزه دیده یا شیئی. ۳. عنصر روانی (Mens rea): نیت عامبرای ارتکاب عمل و آگاهی از فقدان رضایت یا آگاهی از شرایطی که به طور کلی رضایت را نامعتبر می‌سازد (نظری، ۱۳۹۷: ۹۵).

مفهوم رضایت در حقوق بین‌الملل کیفری: رضایت باید آزادانه، آگاهانه و قابل پس گرفتن باشد. در بستر مخاصمات مسلحانه، جایی که قدرت و زور غالب است، رضایت تحت اجبار (Coercion) یا تهدید، فاقد اعتبار حقوقی است (Akayesu, 1998).

۲،۳. عناصر مادی و روانی جرم تجاوز

عناصر مادی: همانطور که قبلاً ذکر شد، عنصر مادی تجاوز به عنف شامل دخول یا تماس جنسی با استفاده از زور، تهدید یا اجبار است. در حوزه حقوق بین‌الملل، تعاریف معمولاً بر رفتار فیزیکی متمرکز هستند و فقدان رضایت قربانی را به عنوان معیار اصلی در نظر می‌گیرند، نه لزوماً وجود مقاومت فیزیکی شدید.

عنصر روانی: عنصر روانی این جرم مستلزم وجود نیت و آگاهی مرتکب است. او باید قصد انجام عمل را داشته باشد و از اینکه اقدامش منجر به نقض رضایت قربانی خواهد شد، آگاه باشد. این آگاهی می‌تواند در دو سطح "اطلاع" (آگاهی از واقعیت اتمام عمل) یا "نیت" (قصد و اراده برای انجام عمل) موجود باشد (Ambos, 2013).

بنابراین، تجاوز به عنف هم شامل اعمال فیزیکی اجبارآمیز و هم تصمیم‌گیری آگاهانه مرتکب برای نادیده گرفتن رضایت قربانی است.

۳,۳. تمایز تجاوز با سایر اشکال خشونت جنسی

حقوق بین‌المللی کیفری تمایز واضحی بین تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی مانند آزار و اذیت، استعمار، یا قاچاق انسان برای مقاصد جنسی قائل است. در گذشته، اصطلاح "تجاوز" عمدتاً به رابطه جنسی شامل ورود به دستگاه تناسلی اشاره داشت. اما امروزه، رویکرد قضایی‌ها گرایشی به سمت تفسیر گسترده‌تر این مفهوم دارد تا طیف وسیع‌تری از جرائم را تحت پوشش قرار دهد. بر این اساس، تجاوز به عنوان هرگونه نفوذ جنسی غیرراضی‌کننده تعریف می‌شود، فراتر از محدودیت‌های سنتی آن. این تغییر رویکرد تضمین می‌کند که قربانیان انواع مختلف سوءاستفاده‌های جنسی، از جمله آزار و اذیت مداوم، استعمار، یا مجبور کردن دیگران به فعالیت‌های جنسی، حمایت و عدالت لازم را دریافت کنند (موسوی، ۱۳۹۶: ۶۸).

۴. سکوت بزه دیده: مفهوم شناسی و زمینه‌ها

سکوت بزه دیده صرفاً یک پدیده روانشناختی نیست، بلکه یک پدیده چندوجهی است که ریشه در عوامل ساختاری، فرهنگی و قضایی دارد.

۱,۴. سکوت پیش از دادرسی، حین ارتکاب و پس از وقوع جرم

الف) سکوت حین ارتکاب: در شرایطی که مهاجم سلاح دارد یا قربانی به طور واضح در معرض خطر جان خود قرار دارد، مقاومت فیزیکی فعال ممکن است خطرناک باشد. بنابراین، سکوت قربانی نباید به منزله رضایت تلقی شود. اصل بنیادی در حقوق بین‌الملل کیفری این است که رضایت تحت فشار یا اجبار معتبر نیست.

ب) سکوت پیش از دادرسی: یکی از رایج‌ترین موارد سکوت، تأخیر در گزارش دادن تجاوز به مراجع قضایی است. دلایل متعددی برای این امر وجود دارد: شوک عاطفی فوری، ترس از انتقام، عدم آگاهی از حقوق قانونی، و حس شرم و گناه. متأسفانه، در بسیاری از فرهنگ‌ها، قربانیان زن به دلیل تجربه تجاوز، با تبعیض و طرد اجتماعی مواجه می‌شوند.

ج) سکوت در طول فرایند دادرسی: وقتی قربانیان مجبور می‌شوند در دادگاه‌های بین‌المللی، به ویژه آنهایی که سیستم قضایی پیچیده‌ای دارند، شهادت دهند، ممکن است بخواهند سکوت کنند یا اطلاعات محدودی ارائه دهند. این رفتار می‌تواند ناشی از ترس از مواجهه با قاضی یا بازپرسی کننده، یا نگرانی در مورد افشای بیشتر جزئیات آزاردهنده باشد (Askin, 1997).

۲،۴. عوامل روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی سکوت

عوامل روانشناختی: تجاوز می‌تواند اثرات عمیق روانی بر قربانیان داشته باشد. فعال شدن مکانیسم‌های دفاعی ذهن، گاهی منجر به پدیده‌ای به نام "آمنزی" یا اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) می‌شود. این شرایط می‌تواند حافظه فرد را تحت تأثیر قرار داده و یادآوری جزئیات اتفاق افتاده را دشوار سازند. علاوه بر این، PTSD ممکن است بیان احساسات و خاطرات مرتبط با تجاوز را چالش‌برانگیز کند (محمدی، ۱۳۹۶: ۳۸).

عوامل اجتماعی و فرهنگی: در بسیاری از جوامع، شهرت و آبروی خانوادگی اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل، تجاوز اغلب به عنوان یک شرم بزرگ برای فرد و خانواده او تلقی می‌شود. این تبعیض اجتماعی ممکن است قربانیان را به سکوت وامی‌دارد تا از طرد شدن از سوی جامعه یا خانواده خود جلوگیری کنند. فشار فرهنگی و تمایل به حفظ ظاهر، مانع از آن می‌شود که برخی قربانیان تجربه خود را فاش کنند.

۳،۴. تأثیر مناسبات قدرت، مخاصمات مسلحانه و ترس از انگاجتماعی

در دوران درگیری‌های مسلحانه، تجاوز به عنف اغلب به عنوان راهی برای تحقیر و ضعیف کردن روحیه دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد. روابط قدرت ناخواسته میان مهاجم و قربانی، همراه با ترس از عواقب احتمالی، باعث می‌شود که گزارش دادن چنین جرائمی دشوار شود. در بسیاری از جوامع، "قربانی تجاوز" شدن می‌تواند منجر به انگ اجتماعی شدیدی، از جمله طرد شدن از جامعه، مشکلات در برقراری ارتباط مجدد با خانواده و دوستان، از دست دادن موقعیت شغلی، و حتی انزوای اجتماعی شود. این تبعات گاهی اوقات تجربه تجاوز را بدتر از خود تجاوز نشان می‌دهد. این موضوع باید به طور جدی توسط دادگاه‌های بین‌المللی مانند دیوان جنایی بین‌المللی (ICC) مورد توجه قرار گیرد. بحران اثبات تجاوز به عنف در ICC ناشی از ماهیت غیرقابل مشاهده جرم و تضاد بین نیاز به ادله قوی و آسیب‌پذیری شهادت قربانی است (Bemba, 2016).

۵. بحران اثبات تجاوز به عنف در دیوان کیفری بین‌المللی

بحران اثبات تجاوز در ICC ناشی از ماهیت غیرقابل مشاهده جرم و تضاد بین نیاز به ادله قوی و ماهیت آسیب‌پذیر شهادت قربانی است.

۱,۵. استانداردهای اثبات در حقوق بینالملل کیفری

در حقوق بینالملل کیفری، اصل بر لزوم اثبات فراتر از شک معقول (elbanosaeR dnoyeB) Doubt است. این استاندارد که از نظام کامن لا اقتباس شده، مستلزم این است که دادگاه باید به درجه بالایی از اطمینان در مورد وقوع جرم و مسئولیت متهم برسد. این استاندارد، در صورت مواجهه با شهادتهای متناقض یا غیرمنسجم ناشی از تروما، می تواند به ابزاری برای تیرنه متهم تبدیل شود (کرمی، ۱۳۹۸: ۴۸).

۲,۵. جایگاه رضایت و فقدان رضایت

اساسنامه رم بر فقدان رضایت تأکید دارد. اما اثبات «فقدان رضایت» نیازمند اثبات «وجود رضایت» است که از طریق شهادت یا شواهد جانبی (مانند مقاومت یا فریاد) صورت می گیرد. اگر بزه دیده نتواند شواهد واضحی از مقاومت ارائه دهد، اثبات فقدان رضایت بسیار دشوار می شود (Grey, 2019).

دادگاهها باید بپذیرند که در زمینه تجاوز، سکوت فعال نیست، بلکه عدم وجود مقاومت نیست.

۳,۵. مشکل فقدان ادله عینی و وابستگی به شهادت بزه دیده

تجاوز به عنف اغلب در خلوت اتفاق می افتد و شواهد فیزیکی قابل مشاهده ممکن است با گذشت زمان ناپدید شوند. بنابراین، اثبات این جرم به شدت به اعتبار و صحت شهادت قربانی وابسته است. با این حال، دادگاهها باید مراقب باشند که تنها بر روی روایت خطی قربانی تکیه نکنند، زیرا تناقضات جزئی در شهادت او می تواند ناشی از تروما و مکانیسم های دفاعی ذهن باشد، نه لزوماً نشانه ای از نادرستی.

برای اثبات مؤثر تجاوز، باید بر چندین عامل مهم توجه کرد:

ثبت نیت مجرم: اثبات وجود نیت آگاهانه مرتکب برای انجام عمل تجاوز، ضروری است.

ارزیابی شرایط محیطی: در نظر گرفتن فشارهای خارجی یا شرایط اجباری که ممکن است بر تصمیم گیری قربانی تأثیر گذاشته باشد، حیاتی است.

تحلیل جامع شواهد: علاوه بر شهادت قربانی، بررسی شواهد پزشکی (مانند گزارش های پزشکی، عکس ها، و نتایج آزمایش های DNA) و سایر مدارک مرتبط، تصویر کامل تری ارائه می کند (Sellers, 2016).

در نهایت، عدالت طلبی در پرونده‌های تجاوز به عنف نیازمند رویکردی متعادل و جامع است؛ رویکردی که هم به تجربه و سلامت روان قربانیان احترام می‌گذارد و هم شواهد و حقایق را به دقت ارزیابی می‌کند.

۶. تحلیل انتقادی رویه دیوان کیفری بین‌المللی

در مراحل اولیه رسیدگی به پرونده‌های مربوط به خشونت جنسی، دیوان کیفری بین‌المللی با انتقاداتی در ارتباط با رویکرد مبتنی بر کلیشه‌های رفتاری قربانیان مواجه شده است. این موضوع در پرونده‌های مهمی مانند لوبانگا و بنبا مشهود است (Werle, 2020).

پرونده لوبانگا:

این پرونده، علی‌رغم تمرکز اصلی بر استخدام کودکان سرباز، شامل اتهامات خشونت جنسی نیز می‌شد. دیوان در این مرحله، چالش‌هایی را در تعریف دقیق "رضایت" و نحوه تعامل با شاهدان آسیب‌دیده تجربه کرد.

پرونده بنبا:

در مورد بنبا، که متهم به فرماندهی نیروهای مرتکب خشونت جنسی در جمهوری آفریقای مرکزی بود، دیوان سعی داشت مسئولیت فرماندهی را مشخص کند. مسئله اصلی، اثبات قصد و اطلاع متهم از اعمال زیردستانش بود. رسیدگی به جرائم خشونت جنسی توسط دیوان کیفری بین‌المللی دارای پیچیدگی‌های منحصر به فردی است، به ویژه در مراحل ابتدایی دادرسی. بررسی پرونده‌هایی مانند لوبانگا و بنبا نشان می‌دهد که دیوان با انتقاداتی در ارتباط با تفسیر رفتار قربانیان مواجه بوده است (Kunarac, 2001).

موفقیت‌ها و چالش‌ها این گونه پرونده‌ها عبارتند از:

رویکرد جامع: دیوان کیفری بین‌المللی در بسیاری از موارد خشونت جنسی، موفقیت قابل توجهی را در اتکا به شواهد جمعی، نظرات کارشناسان، و شهادت‌های متعدد برای اثبات جرم ثبت کرده است. این روش جامع، فقدان شواهد مستقیم مانند شهادت قربانی را جبران می‌کند.

مشکل اعتماد به شهادت قربانیان: اما در برخی موارد، جایی که تنها بر اساس شهادت یکی یا دو قربانی تصمیم‌گیری شود، چالش‌های جدی پدیدار می‌شود. دادگاه‌ها تمایل داشتند تا "شواهد سازگار" با روایت قربانی را بیابند، بدون اینکه به طور کامل به محدودیت‌های شناخت انسان و احتمال وجود اشتباهات در شهادت توجه کنند.

با این حال تجربه‌های حاصل از آرای اولیه حاکی از اهمیت بازنگری در نحوه برخورد با شهادت قربانیان خشونت جنسی است. دیوان باید: علاوه بر شهادت قربانی، سایر شواهد مانند گزارش‌های پزشکی، عکس‌ها، و نتایج آزمایش‌های DNA نقش مهمی ایفا می‌کنند. تناقضات جزئی در شهادت ممکن است ناشی از تروما یا مکانیسم‌های دفاعی ذهن باشد و نباید لزوماً نشانه‌ای از نادرستی تلقی شود. احترام گذاشتن به تجربه و سلامت روان قربانیان، همراه با تحلیل دقیق شواهد، پایه و اساس یک سیستم قضایی عادلانه است. در نهایت، یادگیری از تجارب قبلی، کلید بهبود رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی در ارزیابی و رسیدگی به جرائم خشونت جنسی است (O'Rourke, 2020).

۲,۶. نحوه برخورد دیوان با سکوت یا تأخیر در گزارش دهی بزه دیده

یکی از انتقاداتی که به رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی وارد می‌شود، نحوه برخورد با تأخیر در ارائه شهادت قربانیان است. در حالی که به صورت نظری، تأخیر در گواهی دادن به عنوان دلیلی برای رد شهادت در نظر گرفته نمی‌شود، اما در عمل، دادستان‌ها و هیأت‌های منصفه اغلب به دنبال توجیه منطقی و قانع‌کننده برای این تأخیر هستند. پیامدهای این موضوع می‌تواند باعث ایجاد تصور اشتباه در مورد "بزه دیده ایده‌آل" شود که باید بلافاصله و بدون هیچ گونه تأخیری صحبت کند. فقدان توضیح مناسب برای تأخیر، ممکن است به طور ناخواسته، به باورپذیری شهادت قربانی آسیب بزند (Mégret, 2012).

۳,۶. نقد رویکرد اثبات‌گرایانه و کلیشهای نسبت به رفتار بزه دیده

انتقاد اساسی این است که سیستم قضایی به طور ناخودآگاه دنبال یک "تصویر ایده‌آل" از قربانی می‌گردد؛ فردی که بلافاصله گزارش دهد، عصبانی و آشفته باشد و جزئیات وقایع را به ترتیب زمانی شرح دهد. این انتظار، تاثیرات زیست‌شناختی و روان‌شناختی تروما را نادیده می‌گیرد. روش اثبات‌گرایانه (Evidentialism) در چنین شرایطی شکست می‌خورد، زیرا منطق سختگیرانه اثبات قضایی با واقعیت پیچیده تروما همخوانی ندارد.

۷. سکوت بزه دیده و اصل حمایت از قربانیان

دادرسی بین‌المللی در تلاش برای ایجاد تعادل میان حقوق متهم (اصل برائت) و حمایت از بزه‌دیدگان (که حقوق خاصی در اساسنامه رم دارند) ورله، ۱۳۹۶).

۱,۷. تعارض میان حقوق متهم و حمایت از بزه دیده

حقوق متهم شامل حق دفاع و اصل برائت است. اگر دادگاه در ارزیابی شهادت بزه دیده‌ای که به دلیل سکوت‌های متناقض، «نامطمئن» به نظر می‌رسد، بیش از حد محتاط باشد، حق دفاع‌متهم رعایت شده است. اما اگر این احتیاط منجر به نادیده گرفتن

شواهد غیرمستقیم شود و بزه دیده به دلیل «اشتباه رفتاری» در پاسخگویی مجازات شود، اصل حمایت از قربانی نقض شده است. این تعارض مستلزم یک تفسیر توازن‌دهنده است (Sellers, 2014).

۲,۷. نقش قواعد آیین دادرسی و ادله (EPR)

حقوق بین‌الملل کیفری باید از رویکردی آگاهانه نسبت به تروما بهره برد. در این رویکرد، سکوت نباید نشانه‌ای از کذب تلقی شود، بلکه ممکن است حاکی از آسیب دیدگی فرد باشد. قواعد آیین دادرسی و جمع‌آوری دلایل (RPE)، به ویژه مقررات مرتبط با شهادت دادن افراد آسیب‌پذیر، نقش حیاتی دارند. این قوانین امکان استفاده از شهادت ویدئویی از راه دور، مشارکت متخصصان روانشناسی برای توضیح واکنشی ناشی از تروما، و محدود کردن پرسش‌های متقابل را فراهم می‌کند. اما اجرای این قواعد باید ظریف صورت گیرد تا عدم توانایی قربانی در پاسخگویی به دلیل سکوت یا تناقض، به سادگی به نفع متهم تفسیر نشود (MacKinnon, 2006).

رویکرد حساس به جنسیت ایجاب می‌کند که دادگاه‌ها نه تنها ماهیت جرم (تجاوز) بلکه تجربیات خاص قربانیان زن (یا مرد) در مواجهه با خشونت جنسی در بستر جنگ را درک کنند. این رویکرد شامل:

۱. آموزش مداوم: دادگاه‌ها باید قاضیان و دادستان‌ها را در زمینه روانشناسی تروما و واکنش‌های آن به سکوت آموزش دهند.
۲. پذیرش شواهد غیرمستقیم: پذیرش شهادت همسایگان یا مستندات اجتماعی که تغییرات رفتار قربانی پس از حادثه را نشان می‌دهد، اهمیت دارد.

۳. تفسیر پویا از فقدان رضایت: تأکید بر این اصل که هر گونه اجبار، حتی ضمنی، رضایت را باطل می‌کند، صرف نظر از سطح مقاومت قربانی. این تغییر دیدگاه، تجربه‌های خاص زنان و مردان در مواجهه با خشونت جنسی در محیط جنگ را در نظر می‌گیرد (Oosterveld, 2011).

۸. ارزیابی تطبیقی کوتاه

دادگاه‌های بین‌المللی قبلی، مانند دادگاه بین‌المللی مجازات جنایات علیه بشریت یوگسلاوی سابق (ICTY) و دادگاه بین‌المللی جنایات ضد بشریت رواندا (ICTR)، تجربه‌های ارزشمندی را در مواجهه با خشونت جنسی به اشتراک گذاشته‌اند که می‌تواند پایه و اساس رویکرد مؤثرتری در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) باشد (خالقی، ۱۳۹۸: ۲۰).

• **ICTY:** در پرونده آرادزیچ، دادگاه به طور واضح بیان کرد که سکوت، عدم فعالیت، یا عدم مقاومت، نمی‌تواند به معنای رضایت تلقی شود. این دیدگاه، اهمیت درک واکنش‌های متنوع قربانیان تجاوز را نشان داد.

- **ICTR:** در مورد آکایشو، دادگاه تأکید کرد که تجاوز تنها به اعمال زور فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه نقض اراده آزاد است. تحلیل‌های جامعه‌شناختی و فرهنگی، به درک بهتر دلایل سکوت قربانیان در برخی شرایط کمک کرد (خالقی، ۱۳۹۵: ۶۰).

مقایسه با: ICC

با وجود اینکه دیوان کیفری بین‌المللی از این تجربیات بهره برده است، اما گاهی اوقات به دلیل ساختار پیچیده آن، شامل دادستان‌های ملی با پیشینه‌های حقوقی متفاوت و قضات بین‌المللی، تمایل به اتخاذ رویکردهای خشک‌تر و اثبات‌گرایانه‌تر دارد. نیازمند سازگاری اصول حمایتی در ارزیابی شواهد است تا اطمینان حاصل شود که عدالت به شیوه‌ای حساس و آگاهی‌بخش نسبت به تروما اجرا می‌شود.

۹. نتیجه گیری

جرم تجاوز به عنف در حقوق بینالملل کیفری، به دلیل ماهیت پنهان خود و اتکای حیاتی بهشهادت بزه دیده، با بحران اثبات مزمونی دست و پنجه نرم می‌کند. سکوت بزه دیده - خواه ناشیاز شوک، ترس از انتقام، یا انگ اجتماعی باشد - نباید به عنوان نقص در ادله یا نشانهای از رضایت تفسیر شود. رویه دیوان کیفری بین‌المللی در حال حرکت به سمت پذیرش رویکردهای حساس به جنسیت است، اما در عمل، استانداردهای اثبات فراتر از شک معقول، همچنانقضایوت را به سمت کلیشه‌های رفتاری سوق می‌دهد. تعارض میان حقوق دفاعی متهم و نیاز بهحمایت از آسیب‌پذیرترین قربانیان در این زمینه به اوج می‌رسد.

برای غلبه بر بحران اثبات ناشی از سکوت بزه دیده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

تفسیر الزام آور سکوت: دیوان باید با صدور یک رویه قضایی مشخص، اعلام کند که سکوت، تعلق در گزارش، یا فقدان مقاومت فیزیکی تحت تهدید، به خودی خود رضایت محسوب نمی‌شود. دادگاه نباید انتظار پاسخگویی "ایده آل" از قربانیان را داشته باشد، زیرا این امر ممکن است ناشی از تأثیرات تروما باشد.

استفاده از شواهد تخصصی: تمرکز بر شواهد تخصصی روانشناسی و جامعه‌شناسی برای تفسیر رفتار قربانیان در چارچوب تروما و فرهنگ محلی، بسیار مهم است. این کار جایگزین تکیه صرف بر تناقضات جزئی در شهادت شفاهی می‌شود.

به کارگیری حداکثری آیین دادرسی و جمع‌آوری دلایل (RPE): در مواردی که قربانیان به دلیل تروما قادر به ارائه شهادت کامل نیستند، روش‌های غیرمستقیم مانند ارزیابی سوابق پزشکی و شهادت شاهدان حامی، باید به عنوان شواهد اصلی پذیرفته شوند. حقوق بین‌الملل کیفری باید یک رویکرد کاملاً پویا و پیشرو نسبت به تجاوز به عنف اتخاذ کند؛ رویکردی که درک کند خشونت جنسی نه تنها یک حمله به بدن، بلکه یک حمله به اراده فرد استو سکوت، اغلب، آخرین تلاش فرد برای بقا یا حفظ کرامت در برابر قدرت مطلق است.

- احمدی، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی عنصر رضایت در جرم تجاوز جنسی در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل کیفری (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۴). بزه دیده شناسی. تهران: انتشارات میزان.
- حسینی، مریم؛ صادقی، محمدرضا. (۱۳۹۹). تحلیل رویه دیوان کیفری بین‌المللی در جرائم جنسی. مجله حقوق بین‌الملل، ۳۶ (۱)، ۱۴۵-۱۷۲.
- خالقی، علی. (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری تطبیقی. تهران: نشر میزان.
- خالقی، علی (مترجم). (۱۳۹۵). حقوق کیفری بین‌المللی (اثر Kai Ambos). تهران: نشر میزان.
- سروستانی، زهرا؛ خالقی، علی اصغر. (۱۳۹۷). بررسی مفهوم رضایت در جرم تجاوز جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۶ (۲)، ۱-۲۸.
- کریمی، سمیه. (۱۳۹۸). جایگاه بزه دیده در آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۰ (۳)، ۸۷-۱۱۲.
- مرکز مطالعات حقوق بشر قوه قضائیه. (۱۳۹۰). ترجمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رم). تهران.
- محمدی، الهام. (۱۳۹۶). نقش سکوت بزه دیده در اثبات جرائم جنسی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی.
- موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۳۹۶). حقوق کیفری بین‌المللی: جرائم بین‌المللی (جلد دوم). تهران: انتشارات گنج دانش.
- نظری، فاطمه. (۱۳۹۷). حقوق بزه‌دیدگان جرائم جنسی در دیوان کیفری بین‌المللی (رساله دکتری). دانشگاه تربیت مدرس.
- ورله، گرهارد. (۱۳۹۶). اصول حقوق کیفری بین‌الملل (ترجمه گروه مترجمان). تهران: نشر میزان.
- Akayesu, Jean-Paul. (1998). Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, Trial Judgment (ICTR-96-4-T). International Criminal Tribunal for Rwanda.
- Ambos, Kai. (2013). International criminal law. Oxford: Oxford University Press.
- Askin, Kelly Dawn. (1997). War crimes against women: Prosecution in international war crimes tribunals. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.
- Bemba Gombo, Jean-Pierre. (2016). Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo, Judgment pursuant to Article 74 of the Statute (ICC-01/05-01/08). International Criminal Court.

- Grey, Rosemary. (2019). Interpreting the silence of victims of sexual violence under international criminal law. *Journal of International Criminal Justice*, 17 (2), 363–390.
- Kunarac, Dragoljub, Kovač, Radomir, Vuković, Zoran. (2001). Prosecutor v. Dragoljub Kunarac et al., Trial Judgment (IT-96-23 /IT-96-23/1-T). International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.
- MacKinnon, Catharine A. (2006). *Are women human? And other international dialogues*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Mégret, Frédéric. (2012). Rethinking victim participation in international criminal justice. *Journal of International Criminal Justice*, 10 (2), 281–305.
- O'Rourke, Catherine. (2020). *Women's rights in armed conflict under international law*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Oosterveld, Valerie. (2011). Gender-sensitive interpretations of sexual violence in international criminal law. *New England Journal of International and Comparative Law*, 17 (1), 1–38.
- Sellers, Patricia Viseur. (2014). Consent, coercion, and silence in the law of rape. *International Criminal Law Review*, 14 (3), 451–474.
- Sellers, Patricia Viseur, Okamoto, Kaoru. (2016). *The prosecution of sexual violence in conflict: Legal and forensic perspectives*. Oxford: Oxford University Press.
- Werle, Gerhard, Jessberger, Florian. (2020). *Principles of international criminal law* (3rd ed.). Oxford: Oxford University Press.